



پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد: جواد باقرزاده، ۱۳۹۵

بررسی مبانی و آثار قاعده الواحد و اصل سنخیت در فلسفه اسلامی

قاعده الواحد را باید یکی از مهمترین قواعد فلسفی به حساب آورد؛ زیرا در پیدایش بسیاری از اصول و مسائل فلسفی نقش بزرگی را دارا می‌باشد؛ به طوری که اگر کسانی ادعا نمایند بیشتر مسائل فلسفی به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر آن مترتب است سخنی به گزاف نگفته اند. برخی حکما این قاعده را نسبت به سایر اصول و قواعد فلسفی اصل بنیادی دانسته و آن را تحت عنوان (الاصل الاصل) در آثار خویش مورد بحث قرار داده اند؛ همچنین میرزا مهدی آشتیانی قاعده الواحد را اساس التوحید نامیده است. یکی از قوانینی که از اصل علیت منشعب می‌شود این است؛ که علل معینه همواره معلولات معینی به دنبال خود می‌آورند. معنای این قانون این است که در قانون کلی علیت سنخیت معتبر است و معنای آن این نیست که از هر علتی هر معلولی صحت داشته باشد و هر معلولی به هر علتی قابل استناد باشد، بلکه علل خاص همواره معلولات خاصی بدنبال خود می‌آورند. حکما این قانون را قانون سنخیت علت و معلول می‌خوانند. اگر قانون کلی علیت را بپذیریم و قانون سنخیت را نپذیریم باید بپذیریم که هر چند هیچ حادثه‌ای خودبخود و بدون سبب پیدا نمی‌شود ولی صدور هر چیزی از هر چیزی جایز است و در این صورت هر چند جهان در نظر ما بصورت موجوداتی منفرد و ناپیوسته نیست ولی محققا بصورت یک نظام معین نیز تجسم پیدا نخواهد کرد. اصل سنخیت را اگر به زبان ساده بخواهیم بیان کنیم باید اینطور تعریف کنیم. «از علت معین فقط معلول معین صادر می‌شود و معلول معین فقط از علت معین صحت صدور دارد». حکما این قاعده را آنجا که به مفهوم دقیقش بیان می‌کنند به این صورت بیان می‌کنند: «صدور کثیر از واحد و صدور واحد از کثیر ممتنع است».

کلیدواژه‌ها: قاعده الواحد، اصل سنخیت، علت و معلول، واحد، کثیر، صدور

شماره‌ی پایان‌نامه: ۱۲۷۲۰۴۱۰۸۹۱۰۰۱

تاریخ دفاع: ۱۳۹۵/۰۷/۱۴

رشته‌ی تحصیلی: فلسفه و حکمت اسلامی

دانشکده: علوم انسانی

استاد راهنما: دکتر حسین بهروان